

**Expounding the Relation Between Territorial Development and  
Human Structures Settled in Geographical Space with Emphasize  
on Critical and Humanistic Geography  
( A Case Study of Iran)**

**R .Allahverdizadeh**

Ph.D Student in political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

**Z. Ahmadipour**

Associate Professor in Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

**M. Karimi**

Ph.D Student in political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

**A. Safari**

Graduated in Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

**Extended Abstract**

**1-Introduction**

Expounding the development of countries related to human structures settled in geographical space has caused different theoretical discussions. Iran has a diverse society in terms of human and physical properties, so multidimensional development is considered. This paper is intended to expound the relation between the regional development of Iran and human structures settled in geographical space. Human structures include ethnic groups settled across the borders of Iran. Theoretical framework of the paper is based on the “modernization in societies” and “critical approach to the development”. Based on theoretical principles, modernization in developing societies with ignoring environmental requirements has caused one-linear development, weakness for multilateral development and human participation. These countries need reformed modernization to their society’s development. Critical approach to the development criticizes society’s inequality in terms of development and lack of human participation in society’s evolutions and emphasizes human forces for development. By synthesizing the two approaches, the paper considers the two approaches. Affected by the synthesized approach, the multilateral development in its all economic, political and cultural- social facets, and also considering humanistic development and regard to human layers of society is considered .

**2- Methodology**

The research is basic in terms of its goal and is descriptive- analytic in terms of nature and method. Data gathering procedure is based on library findings. In library procedure, using existing references like books, articles and secondary data is considered .

**3- Research findings**

Development’s variable in all three political, economic and cultural- social facets which were analyzed in the research are as follows: ethnic participation in elections (in presidential elections), ethnic participation in the state’s management, ethnic’s participation in civil organs, geographical or territorial justice, budgeting and planning in the geographical space, dispersion of communicational networks, ethnic’s values and norms, relations of ethnic groups (density of relations of ethnic groups, dialogue between ethnic groups). The paper

claims that all of the nine mentioned variables on the one hand have the ability of expounding the level of development in all three facets, and have important effect on the function of these variables in the type of Convergence and national unity, on the other hand. Research findings show that ethnic's participation in presidential elections is fluctuating because of the different factors, and they have had less participation than central provinces. Ethnic's participation in political management of the state, in the level of executive power, shows that ethnic groups, without Azerbaijanis, have had less participation in political management of the state. The situation of civil organs in local and regional level is not suitable because of the national situations, and it is needed to consider civil organs which are one of the factors of political development. Some desirable actions have been done in the distribution of facilities in the boundary regions and provinces, but the model of centre-periphery development is dominant. Budgeting is centralized because Iran's political system is a unitary centralized system. This model of budgeting and planning contrasts with Iran's geographical space. Communicative networks have a radial form and consequently weaken the relations of peripheral regions. Paying attention to ethnic's values and norms is reflected in the constitution, but has not been put into appropriate action. Ethnic's relations in Iran are weak, but this weak relation has less caused ethnic conflicts .

#### 4- Discussion and conclusion

Tense official- administrative centralism, centralized planning and also, modernization policies in development plans of the country without considering environmental requirements are some of the factors which affect development factors. Diminishing the government's body, decrease in bureaucracy, spatial and contractive decentralism, regional planning, people participation in cultural and economic development, local and national democracy, values diversity and paying attention to the ethnic's values and norms are the most important indexes of development in the contemporary era.

**Keywords:** development, territorial development, human structures, Ethnic, critical geography

## تبیین رابطه بین توسعه‌یافتگی سرزمین با سازه‌های انسانی مستقر در فضای

### جغرافیایی با تاکید بر جغرافیای انتقادی و انسان‌گرا

(مطالعه موردی: ایران)

رضا الهویدی زاده: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران\*

زهره احمدی پور: دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مهدی کریمی: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

عبدالله صفری: کارشناس ارشد جغرافیا از دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

وصول: ۱۳۹۳/۲/۲۱ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲۲، صص: ۱۸۶-۱۶۳

#### چکیده

تبیین رابطه دیالکتیک توسعه با فضای جغرافیای منشأ مباحث نظری متفاوتی در علوم جغرافیا شده است. کشور ایران جامعه متنوعی از حیث انسانی و طبیعی دارد، لذا توجه به توسعه ملی با این بافت جغرافیایی موضوعی قابل تأمل است. مقاله حاضر سعی در تبیین رابطه بین توسعه‌یافتگی سرزمینی با سازه‌های انسانی مستقر در فضای جغرافیایی ایران دارد. منظور از سازه‌های انسانی، اقوام حاضر در ایران است. بحث نظری در قالب «رویکردی انتقادی به مقوله توسعه» - با تاکید بر جغرافیای انتقادی و انسان‌گرا - همراه با توجه به «نظریه نوسازی» است. وضعیت توسعه یافتگی اقوام در ایران در هر سه بعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سوال پژوهش حاضر است. تحقیق به لحاظ هدف، بنیادی و به لحاظ ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است و ابزار گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای است؛ استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مقالات، اطلاعات و داده‌های ثانویه مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که مشارکت اقوام در قالب استان‌های پیرامون جغرافیایی در انتخابات ریاست جمهوری در مقایسه با استان‌های مرکزی از میزان کمتری برخوردار است؛ لکن این وضعیت در هر دوره رو به بهبودی می‌رود. حضور اقوام در مدیریت سیاسی کشور، در سطح هیات دولت، بیانگر آن است که به غیر از آذربایجانی‌ها، بقیه اقوام حضور کم‌رنگی در مدیریت سیاسی کشور در سطح ملی دارند. وضعیت نهادهای مدنی در سطح محلی و منطقه‌ای از وضعیت خوبی برخوردار نیست و باید تشکل‌ها و نهادهای مدنی در مقام مولفه‌ای از توسعه سیاسی مورد توجه بیشتری قرار گیرند. در زمینه توزیع امکانات رفاهی و مادی در سطح استان‌های کشور و مناطق مرزی اقدامات خوبی انجام یافته است؛ لکن وضعیت توسعه مرکز-پیرامون همچنان در کشور باقی است. بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی به دلیل تک ساخت بودن نظام سیاسی ایران، بطور متمرکز برای تمامی واحدهای فراملی انجام می‌گیرد و این رویه برای توسعه اقتصادی کشور ضعف اساسی است. گسترش شبکه ارتباطی در کشور به شکل شعاعی است و این نوع شبکه ارتباطی، پیوند و ارتباط مناطق پیرامونی را با هم ضعیف می‌کند. در زمینه توسعه فرهنگی و اجتماعی، متغیرهایی چون ارزش‌ها و هنجارهای قومی، تعامل و روابط بین قومی مورد تحلیل قرار گرفته است، یافته‌ها نشان می‌دهد، این بعد توسعه هم با وضعیت مطلوب فاصله دارد.

واژه های کلیدی: توسعه، توسعه یافتگی سرزمین، سازه انسانی، اقوام، جغرافیای انتقادی

## مقدمه

متخصصین توسعه، تعاریف گوناگونی از توسعه ارائه کرده‌اند؛ «دادلی سیرز، مایکل تودارو، آرتور لويس، روستو و پل باران، اساساً مفهوم توسعه را در معنای اقتصادی آن تعریف نمودند. در پایان دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ که به نام توسعه شهرت یافته بود، انقلابی در اصطلاحات این حوزه به وجود آمد. عبارت‌هایی نظیر، «نیازهای بشر»، «توسعه بدیل»، «توسعه اجتماعی»، «توسعه مشارکتی»، «کیفیت زندگی»، «توسعه انسان‌گرایانه»، «توسعه یکپارچه»، «توسعه درون‌زا»، «توسعه پایدار» و غیره جایگزین اصطلاح مرسوم توسعه اقتصادی شدند. هر تعریفی که از توسعه ارائه شود و هر یک از ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توسعه در نظر گرفته شود، محور مشترک در میان تعاریف مختلف توسعه، حرکت به سوی بهتر شدن است» (عالمی، ۱۳۹۰، ۲۷۷).

یکی از پدیده‌ها و عناصر فضایی که از مقوله توسعه تاثیر می‌پذیرد و در عین حال بر آن موثر است سازه‌های انسانی مستقر در فضاهای جغرافیایی است. منظور از سازه انسانی، سازه‌های انسانی قومی در پیرامون جغرافیایی ایران است. الگوهای توسعه در سطح کشور بر توسعه یافتگی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اقوام تاثیر می‌گذارد. در کشور ایران که از تنوع قومی، مذهبی و خصیصه‌های اکولوژیکی و جغرافیایی متنوعی برخوردار است، نیاز به همبستگی ملی و توسعه معقول موضوعیت بیشتری دارد. اگر این رویکرد را بپذیریم که توسعه مقدم بر همبستگی ملی است و یا همبستگی ملی و اجتماعی مولود توسعه است، برای حفظ و ارتقاء همبستگی

ملی باید توسعه معقول در فضای جغرافیایی حاکم باشد. مقاله حاضر با اعتقاد به رجحان و اولویت توسعه بر همبستگی ملی در جامعه چند قومی، به دنبال تبیین رابطه بین توسعه‌یافتگی سرزمینی ایران با سازه‌های انسانی مستقر در فضاهای جغرافیایی است. وضعیت توسعه یافتگی اقوام در ایران در هر سه بعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سوال پژوهش حاضر است. فرضیه تحقیق این است که توسعه موزون و معقول در هر سه بعد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی - اجتماعی در بین اقوام وجود ندارد.

در مورد وضعیت توسعه اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی اقوام تحقیقات کمتری صورت گرفته است. در زمینه توسعه اقتصادی، بیشتر به واحدهای سیاسی در سطح استانی توجه شده است و استان‌ها را به لحاظ توسعه اقتصادی و انسانی ارزیابی و رتبه‌بندی نمودند که این روش مطالعه در بعد فرهنگی توسعه نیز انجام یافته است. «برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تاثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران» عنوان پژوهشی است که توسط سیفالهی و حافظ‌امینی انجام یافته است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی، مولفه اقوام، مورد توجه واقع نشده است؛ این تحقیق، مروری و توصیفی است (سیفالهی و حافظ‌امینی، ۱۳۸۸). در بعد سیاسی توسعه، مطالعه مستقلی برای اقوام با این عنوان انجام نشده است (بر اساس یافته‌های محققین)؛ مطالعاتی که در زمینه توسعه سیاسی برای اقوام انجام یافته است، مولفه‌هایی همچون مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی را شامل می‌شود که این نوع مطالعات محدود است.

است؛ هر چند که نگاه تک بعدی، بالا به پایین و ارائه الگوی واحد توسعه برای تمامی کشورها موجب انتقاداتی بر این مکتب توسعه شده است؛ (۲) تبیین رابطه توسعه‌یافتگی و ملت‌سازی در این نحله توسعه، سابقه بیشتری دارد؛ (۳) ایران در مقام یک کشور در حال توسعه، نیاز است از الگوی نوسازی اصلاح شده و متناسب با مقتضیات خود برای توسعه سرزمینی استفاده نماید. رویکرد انتقادی به مقوله توسعه به منظور توجه به تمامی سازه‌های انسانی و توسعه انسان پایه در پهنه سرزمین فارغ از جنس، طبقه، نژاد و قوم است.

دوره بین ۱۹۴۵ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ را به دوره تحت نفوذ مکتب نوسازی تقسیم می‌کنند. سنت، گذار و مدرنیته سه مرحله متفاوت در فرایند نوسازی است؛ نوسازی به سقوط و فروریزی نظم سنتی و استقرار نوع جدیدی از جامعه با ارزش‌ها و روابط جدید دلالت دارد (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۶). متفکران مکتب نوسازی اعتقاد دارند که میزان موفقیت بسیج اجتماعی - گذشتن از زندگی سنتی به زندگی مدرن به جمعیتی بستگی دارد که در معرض جلوه‌های نوگرایی قرار گرفته‌اند. افزایش ارتباطات در قالب رسانه‌های گروهی، بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی، جاده‌ها، بنادر و خط آهن؛ تغییر مکان و تحرک مبسوط جغرافیایی و اجتماعی؛ تسریع فرایند شهرنشینی؛ صنعتی شدن؛ نرخ سواد و گسترش آموزش و پرورش نوین؛ نرخ تولید سرانه ملی؛ بهداشت کامل؛ توسعه اقتصادی؛ حق رای و مشارکت گسترده اعضای جامعه در فعالیت‌های سیاسی و غیرسیاسی و گسترش دموکراسی؛ تفکیک نقش‌های اقتصادی و تقسیم کار اجتماعی جلوه‌هایی از نوسازی

بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶-۱۳۸۴، عنوان پژوهشی است که توسط غفاری و زرین کاویانی انجام یافته است. این تحقیق به بررسی علل روند نزولی میزان مشارکت شهروندان استان کردستان در دوره زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ می‌پردازد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که عوامل اقتصادی، رسانه‌ها، حقوق شهروندی، تغییر فضای سیاسی کشور و همچنین تغییر و تحولات سیاسی در کردستان عراق، بر کاهش سطح مشارکت مردم استان کردستان تاثیرگذار بوده‌اند (غفاری و زرین کاویانی، ۱۳۹۰). تحقیق حاضر وضعیت توسعه یافتگی در میان اقوام (ترک آذری، ترکمن، عرب، کرد و بلوچ) را بررسی نموده و در عین حال تمامی ابعاد توسعه را با توجه به مولفه‌های مربوطه پوشش می‌دهد. پژوهش به لحاظ هدف، بنیادی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است و ابزار گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ایی است. در روش کتابخانه‌ایی، استفاده از منابع کتابخانه‌ایی، مقالات، اطلاعات و داده‌های ثانویه مورد توجه قرار گرفته است؛ این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از استدلال و تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها استفاده شده است.

### بحث نظری

بحث نظری در قالب «رویکردی انتقادی به مقوله توسعه» - با تاکید بر جغرافیای انتقادی و انسان‌گرا همراه با توجه به «نظریه نوسازی» است. تاکید بر نوسازی به چند دلیل است: (۱) مکتب و پارادایم نوسازی در قرن بیستم نقش زیادی در توسعه کشورهای غربی و آسیای شرق و جنوب شرقی داشته

رویکرد انتقادی در علوم جامعه‌شناسی، جغرافیا و علوم سیاسی در تقابل با نابرابری‌های اجتماعی ظهور یافت. «نظریه انتقادی در مقام بحث محوری در مکتب فرانکفورت تاکید می‌کند که بین واقعیت‌های جهان و آنچه باید باشد رابطه‌ی ذاتی و نزدیک وجود دارد؛ نمی‌توانیم بفهمیم که جهان چیست مگر آنکه تصویری از آنچه باید باشد داشته باشیم» (کریب، ۱۳۷۸: ۲۳۹). «هدف دانش انتقادی این است که به مردم نشان دهد که جامعه آنها چگونه عمل می‌کند و به مردم امکان دهد که در تحولات و تغییرات جامعه خود بدانسان که خود می‌خواهند عمل کنند تا دنیای آینده خود را بهتر بسازند» (شکویی، ۱۳۷۵: ۱۲۴). رویکرد انتقادی به دلیل ارائه تحلیل‌های انتقادی از مسائل و معضلات جامعه، نظریه ارزشی محسوب می‌گردد؛ لذا با اندیشه‌های پوزیتیویسمی (تحصل‌گرایی) که معتقد به بی‌طرفی و غیرارزشی بودن علوم اجتماعی است، شدیداً مخالف است (نوذری، ۱۳۸۴: ۴۹ و ۱۶۶). این رویکرد، در انتقاد به پذیرش رویکرد تحصیل‌گرایی (عقلانیت ابزاری در جامعه مدرن صنعتی) (قادری، ۱۳۸۲: ۱۰۹) و دیدگاه‌های مارکسیستی (ارمکی، ۱۳۸۸: ۱۰۷) در علوم به کار رفت؛ مکتب فرانکفورت در سیر تحولات خود در کنار آموزه‌های مارکسیستی از اندیشه‌های وبر و تحقیقات روان‌شناسانه بهره برد (قادری، ۱۳۸۳: ۱۰۹). از مهم‌ترین ایراداتی که بر رویکرد تحصیل‌گرایی وارد می‌کنند این است که این رویکرد علمی، مدافع و توجیه‌کننده وضع فعلی و مشروعیت بخش نظام موجود اجتماعی است (ارمکی، ۱۳۸۸: ۱۱۰) و فقط درصدد توضیح روابط میان پدیده‌ها است و هدف کنترل وضعیت موجود را دارد و تا حدی محافظه‌کارانه است (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۲۲۰).

جوامع هستند (Connor, 1972; Deutsch, 1966): هاجینسون و اسمیت، ۱۳۸۶: ۵۵؛ رجب نسب، ۱۳۸۰: ۱۰۵؛ قوام، ۱۳۸۲: ۱۹؛ حق پناه، ۱۳۷۷: ۱۳۲ و پیت و هارت ویک، ۱۳۸۴: ۱۱۵-۱۱۶). نوسازی، تغییر و تحول در هر سه بعد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را شامل می‌گردد.

در جامعه‌شناسی نظریه کارکردگرایی ساختاری و در جغرافیا، جغرافیای پوزیتیویسمی متأثر از دیدگاه نوسازی بودند. جلوه‌های نوگرایی [مذکور در بالا] در قالب نظریه کارکردگرایی ساختاری، نه تنها حذف هویت‌های فردی، خانوادگی، قبیله‌ای، قومی و ... را موجب نشد، بلکه پیگیری طرح هویت جمعی و ملی (هویت منحصر) منجر به تضادهای اجتماعی و قومی - حتی در جوامع توسعه‌یافته - گردید (برای مثال اسپانیا و بلژیک)؛ (رمضان‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۴۰ و Connor, 1972) هر چند که نمی‌توان کتمان کرد، پی‌گیری صحیح پروژه نوسازی در کم‌رنگ شدن اختلافات و تضادهای اجتماعی نقش مهمی دارد. نظریه پخش در حوزه جغرافیا مبنی بر سرمایه‌گذاری در محیط‌های غنی و ثروتمند و گسترش تدریجی نوآوری و مزایای توسعه به نواحی پیرامون متأثر از نظریه نوسازی بود (پیت و هارت ویک، ۱۳۸۴: ۱۰۱-۱۲۵). این نظریه جغرافیایی در گسترش امواج توسعه به نواحی پیرامون در کشورهای توسعه نیافته ناکام بود. نظریه نوسازی به دلیل ارائه الگوی واحد توسعه (الگوی تک خطی غربی) برای تمامی محیط‌های جغرافیایی بدون توجه به مقتضیات محیطی، نگرش دولت محوری و بالا به پایین در برنامه‌ریزی‌ها، همچنین پذیرش توسعه ناموزون در مراحل اولیه توسعه، انتقاداتی را در دهه ۷۰ و ۸۰ برانگیخته است.

مطرح است و در ژئوپلیتیک انتقادی استفاده از نظریه‌های جغرافیایی در سیاست خارجی کشورها بدون توجه به روابط انسانی، کرامت انسان‌ها، تخریب محیط زیست، توسعه پایدار و ... مطرح است. بنابراین به تعداد موضوعات قابل مطالعه در حوزه ژئوپلیتیک، اندیشه‌های انتقادی مطرح است؛ ژئوپلیتیک محیط-زیست، ضد ژئوپلیتیک (ژئوپلیتیک مقاومت) (Ó Tuathail, Dalby and Routledge, 1998) ژئوپلیتیک انسان‌گرا (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶) در قالب ژئوپلیتیک انتقادی مطرح هستند. ژئوپلیتیک انتقادی بر روابط نابرابر قدرت و الگوی سلطه کشورهای قدرتمند بر دیگر جوامع انتقاد کرده (Ó Tuathail, 1996) و خواهان تغییر وضعیت موجود است.

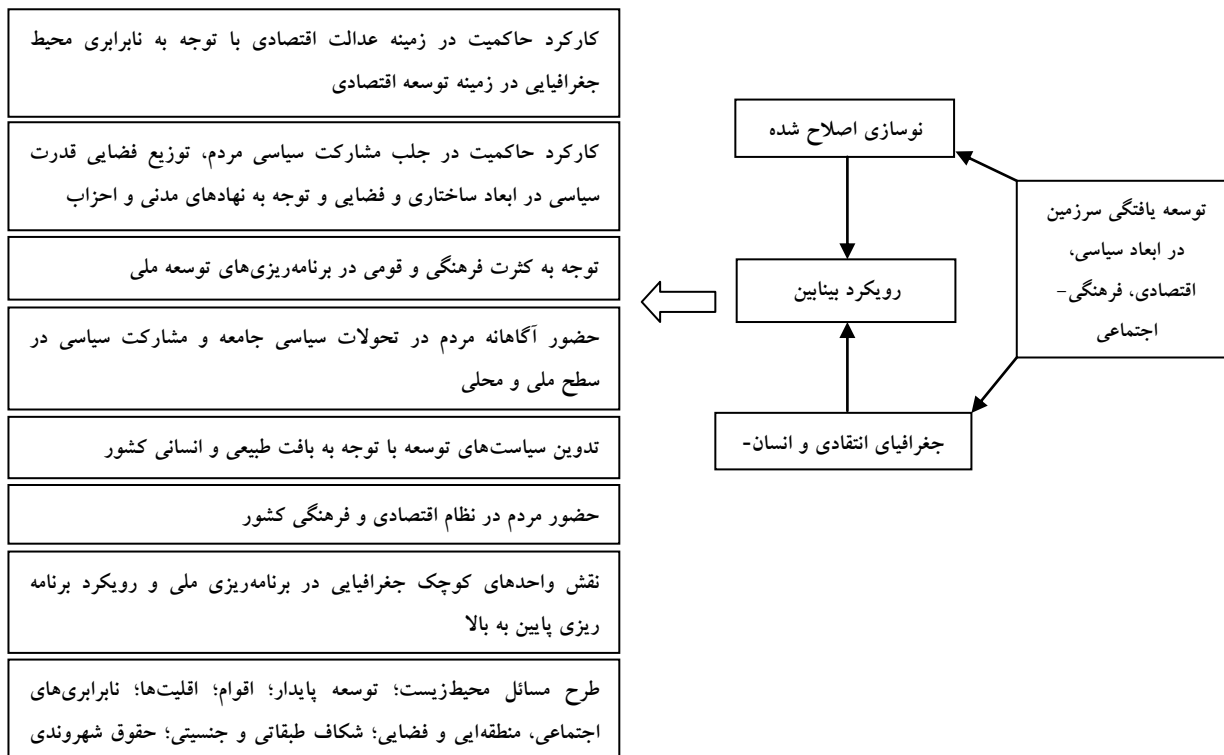
فرایند توسعه از بالا به پایین و نسخه‌وار که در الگوی نوسازی جوامع مطرح بود، جدا از اینکه از کارایی لازم برای اجرای مطلوب تمامی ابعاد توسعه برخوردار نبود، مردم و سکنه محلی را از مشارکت موثر در فرایند توسعه دور نگه داشت. این رویکرد توسعه بر سلسله مراتب اداری شدید، دیوان سالاری پیشرفته، گسترش حضور و نفوذ دولت در تمامی بخش‌های اقتصادی و سیاسی تاکید دارد و نوسازی را مرحله‌ای اجتناب ناپذیر از روند تاریخ در نظر می‌گیرد که تمامی کشورها مجبور به گذر از آن هستند. رویکرد توسعه از پایین به بالا (رویکرد انتقادی) در تقابل با رویکرد اخیر ارائه شد، رویکرد مزبور فرایند برنامه‌ریزی و اجرای توسعه را از کوچکترین سطح محلی تا سطح ملی پیشنهاد می‌دهد و موجب مشارکت مردمی در فرایند توسعه می‌گردد؛ منتها ساختار ضعیف کشورهای در حال توسعه از حیث نیروی انسانی، امکانات، ضعف مدیریت و ... تکیه بر

رویکرد تحصیل‌گرایی همواره نظم اجتماعی و سیاسی موجود را مسلم می‌پندارد و علاقه‌ای ندارد تا آن را مرحله‌ای از فرآیند تاریخی دگرگونی اجتماعی یا وضعیتی که باید تغییر کند در نظر بگیرد (سیدامامی، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۴). رویکرد انتقادی در قالب مکتب فرانکفورت معتقد است که جامعه خردورز، جامعه‌ای است که در جهت دگرگون‌سازی و خلق محیط جدید مشارکت داشته باشیم و از شرایط موجود انتقاد کنیم. جامعه‌ایی که گروه‌های مردمی را از شرکت در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی محروم کند و یا گروه‌هایی از مردم را فاقد قدرت نماید، از دیدگاه نظریه انتقادی، یک جامعه خردستیز خواهد بود (شکویی، ۱۳۸۴: ۲۵۸). دیدگاه انتقادی در علوم جامعه‌شناسی و جغرافیا در انتقاد به نظریه‌های سنتی مطرح در هر دو علم به کار رفت. در جامعه‌شناسی، نظریه وابستگی (پیت و هارت ویک، ۱۳۸۴: ۱۲۷) و نظام جهانی (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۷۵) در انتقاد به نظریه‌های نوسازی مطرح گردید و در جغرافیا، جغرافیای انتقادی و رادیکال در تقابل با جغرافیای سنتی و پوزیتیویسمی بنیان گشت. رویکرد انتقادی در علم جامعه‌شناسی و جغرافیا، وضعیت نابرابر جوامع از حیث توسعه، فقر در جوامع، روابط انسان با محیط زیست و ... را مورد بحث قرار می‌دهد. در علوم جغرافیا، طرح رویکردهای رادیکالی در قالب جغرافیای رادیکال و جغرافیای انتقادی برای مقابله با فقر و نابرابری جوامع و توجه به نگرش‌های اخلاقی و ارزشی بنیان گشته است و در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، تفکر انتقادی متاثر از فرایندهای داخلی و بیرونی بود. در جغرافیای سیاسی وضعیت نابرابر مردم از لحاظ دسترسی به نیازهای اولیه، حقوق شهروندی، وضعیت اقوام و اقلیت‌ها و ...

رشد یابند. این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه توسعه از آهنگی همه‌جانبه، موزون، بومی، عادلانه و تدریجی برخوردار باشد (رجب نسب، ۱۳۸۰: ۱۰۷-۱۰۹)؛ رهیافت بینابین به معیارهای مذکور توسعه توجه دارد. اگر برنامه‌ریزی توسعه کشور با توجه به تجربیات جهانی و با ملاحظه ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی کشور و با ملاحظه رویکرد توسعه بینابین انجام گردد، دیدگاه توسعه همه‌جانبه و معقول برای جامعه چند قومی ایران فراهم می‌شود و در نتیجه همبستگی ملی پایدار در جامعه شکل می‌گیرد؛ تداوم همبستگی ملی، خود موجب توسعه بیشتر است.

این رویکرد توسعه را بدون توجه به آماج و ملزوماتی که باید از بالا و سطوح سازمان‌های دولتی ارائه شود، با مشکل مواجه کرده است. رویکرد بینابین (تلفیقی از دو رهیافت توسعه) به نظر می‌آید از کارایی لازم برخوردار است و کمبودهای هر یک توسط دیگری برطرف می‌گردد (احمدی‌پور، الهویردی‌زاده و نائیجی، ۱۳۸۹). کوچک سازی بدنه دولت، کاهش بوروکراسی و تمرکززدایی ساختی و فضایی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مشارکت مردمی در امر توسعه، دموکراسی محلی و ملی، تنوع ارزشی و توجه به فرهنگ‌ها و ارزش‌های متفاوت از شاخص‌های مهم رهیافت بینابین توسعه است.

شایان ذکر است که توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مکمل یکدیگر بوده و بایستی به موازات هم



نمودار ۱- مدل مفهومی تحقیق



## یافته‌های تحقیق

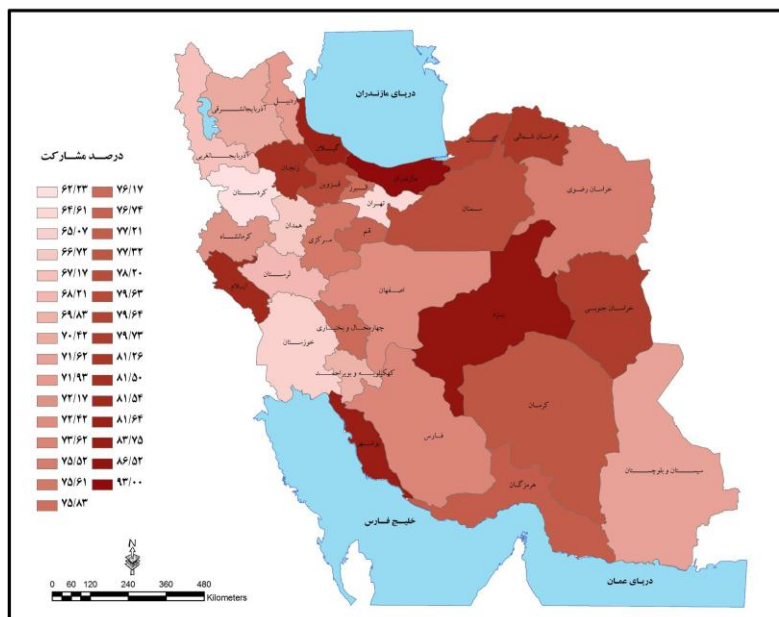
مشارکت اقوام در اداره امور کشور  
مشارکت انتخاباتی اقوام (انتخابات ریاست جمهوری)

با ملاحظه قانون اساسی تمامی اقوام و اقلیت‌های مذهبی از حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری برای دادن آراء و انتخاب کردن برخوردار هستند. به صراحت قانون اساسی اهل تسنن و اقلیت‌های مذهبی از حق کاندیدا شدن برای انتخابات ریاست جمهوری در مقام منتخب برخوردار نیستند (اصل ۱۱۵ قانون اساسی). این مسئله ممکن است در رفتار انتخاباتی اهل تسنن و اقلیت‌های مذهبی تاثیرگذار باشد.

با نگاهی به آمار انتخاباتی استان‌ها و مقایسه آماری، می‌توان به این نتیجه رسید که اولاً: مناطق و استان‌های مرزی کشور (محل استقرار اقوام) در مقایسه با مناطق و استان‌های مرکزی و متوسط

مشارکت عمومی کل کشور، مشارکت کمتری داشتند. ثانیاً: استان‌های مرزی در مقایسه با هم از نرخ مشارکتی متفاوتی برخوردار هستند. ثالثاً: رفتار انتخاباتی اقوام تا حدودی با روند کلی کشور مطابقت دارد. برآیند کلی آمار انتخاباتی گویای آن است که میزان مشارکت مردمی در استان‌های مرزی و قومی با گذشت زمان به تدریج رو به افزایش است (جدول و نقشه ۱). مطالعات تجربی بیانگر آن است که در رفتار انتخاباتی مردم ایران، هویت قومی و بازنمایی مسایل قومی، نقشی تاثیرگذار بر حضور مردم در انتخابات ریاست جمهوری و یا گزینش کاندیداهای انتخاباتی دارد و این عامل بسته به روند سیاسی، موجب مشارکت و یا عدم مشارکت مردم در انتخابات شده است (ساعی، ۱۳۸۸؛ غفاری و زرین کاویانی، ۱۳۹۰؛ پرچمی، ۱۳۸۶؛ محمدی، ۱۳۸۹؛ مهدی‌زاده، ۱۳۸۷؛ کاویانی راد و ویسی، ۱۳۸۷؛ حسن پور، ۱۳۸۹).

نقشه ۱. توزیع فضایی مشارکت انتخاباتی در انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری به تفکیک استان‌ها



(ترسیم از نگارندگان، ۱۳۹۳)

## جدول ۱. نتایج یازده دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران به تفکیک استانها

رد یف	استان‌ها	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم	دوره ششم	دوره هفتم	دوره هشتم	دوره نهم مرحله اول مرحله دوم	دوره دهم	دوره یازدهم
۱	آذربایجان شرقی	۵۳/۵۳	۶۲/۵۶	۷۸/۶۶	۴۹/۰۲	۵۰/۶	۴۳/۹۸	۶۷/۷۹	۵۳/۰۷	۵۱/۲۵	۸۱/۶۶	۷۰/۴۲
۲	آذربایجان غربی	۴۰/۱۱	۴۵/۸۴	۵۸/۷۳	۵۳/۶۲	۵۵/۲۳	۴۸/۸	۷۳/۷۱	۵۶/۴۱	۳۷/۱۵	۷۰/۸۵	۶۷/۱۷
۳	اردبیل	-	-	-	-	-	-	۷۰/۳۶	۵۸	۴۹	۷۹/۷۶	۷۱/۹۳
۴	اصفهان	۸۱/۲۷	۷۹/۶۹	۸۳/۵	۵۶/۲۴	۵۲/۴۴	۴۲/۰۶	۷۷/۵۵	۶۰/۸۴	۵۸/۲۶	۸۸/۲۷	۷۲/۴۲
۵	البرز	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۷۵/۸۳
۶	ایلام	۶۸/۹۱	۷۸/۸۲	۱۰۷/۰۶	۷۴/۵۱	۸۵/۳۹	۶۶/۲۶	۸۷/۱۶	۷۷/۱۱	۸۰/۴۳	۸۷/۴۱	۸۱/۵۴
۷	بوشهر	۷۰/۱۵	۶۶/۳۴	۷۵/۵۳	۶۱/۵۹	۶۰/۰۲	۵۷/۰۹	۸۱/۹۴	۷۱/۲۶	۷۲/۳۳	۸۵/۰۴	۸۳/۷۵
۸	تهران	۷۶/۵۳	۵۹/۶۵	۶۴/۶	۴۸/۲	۴۹/۵	۴۷/۲۶	۸۲/۰۴	۶۸/۰۶	۶۳/۶۸	۸۵/۵۰	۶۴/۲۱
۹	چهار محال و بختیاری	۵۹/۰۶	۶۸/۱۱	۷۳/۱۴	۶۰/۹	۵۷/۴۷	۴۹/۹۹	۸۵/۵۸	۶۵/۶۲	۶۴/۸۵	۸۸/۱۲	۷۶/۱۷
۱۰	خراسان	۶۶/۴۵	۶۸/۹۱	۷۴/۱۷	۵۵/۶۵	۵۱/۹۸	۵۱/۰۳	۸۳/۱۵	۷۵/۶۶	-	-	-
۱۱	خراسان جنوبی	-	-	-	-	-	-	-	-	۷۸/۵۹	۷۱/۸۸	۷۹/۷۳
۱۲	خراسان رضوی	-	-	-	-	-	-	-	-	۷۰/۹۹	۶۳/۹۹	۷۵/۵۲
۱۳	خراسان شمالی	-	-	-	-	-	-	-	-	۶۳/۵۵	۹۵/۸۰	۸۱/۲۶
۱۴	خوزستان	۷۴/۰۳	۴۵/۵۵	۵۴/۴۹	۵۶/۹	۵۹/۰۲	۴۵/۶	۷۴/۰۸	۵۹/۳	۵۵/۳۳	۷۲/۱۷	۶۵/۰۷
۱۵	زنجان	۷۳/۷۹	۸۱/۲۲	۸۹/۳۸	۶۲/۴۷	۶۰/۴۳	۵۴/۴۸	۹۳/۷۹	۶۸/۸۷	۶۵/۲۵	۹۲/۶۵	۸۱/۵۰
۱۶	سمنان	۸۰/۱۲	۸۳/۲۶	۸۷/۳۷	۶۸/۵۹	۶۶/۹۶	۶۴/۵۵	۸۸/۴۸	۷۸/۰۴	۷۳/۴۸	۸۷/۸۱	۷۸/۲۰
۱۷	سیستان و بلوچستان	۳۴/۳۹	۲۹/۱	۴۷/۶	۳۱/۹۲	۳۸/۶۱	۴۲/۸۷	۶۵/۲۸	۷۰/۱۳	۷۴/۴۴	۶۳/۷۶	۷۱/۶۲
۱۸	فارس	۷۳/۵۱	۷۱/۴	۸۷/۵۶	۵۵/۱۵	۵۴/۰۷	۵۵/۳۲	۸۰/۲۷	۶۸/۰۶	۶۱/۳۶	۸۸/۷۷	۷۳/۶۲
۱۹	قزوین	-	-	-	-	-	-	-	-	۶۹/۳۳	۶۷/۰۴	۷۹/۶۳
۲۰	قم	-	-	-	-	-	-	۸۸/۵۱	۷۶/۹۹	۷۷/۰۱	۹۱/۳۱	۷۶/۷۴
۲۱	کردستان	۱۲/۸۳	۴۳/۶۲	۴۸/۴۶	۵۱/۵۷	۵۸/۶۸	۵۴/۹۶	۷۹/۰۴	۵۳/۴۵	۳۷/۳۷	۶۴/۷۱	۶۲/۲۳
۲۲	کرمان	۶۸/۶۳	۷۳/۲۳	۸۳/۴۲	۵۵/۱۲	۶۲/۹۱	۵۴/۶۹	۸۵/۷۲	۷۰/۷۳	۷۷/۸۶	۸۶/۶۲	۷۷/۳۲
۲۳	کرمانشاه	۵۴/۳۷	۵۳/۹۹	۶۲/۲۱	۴۵/۹۴	۵۳/۲	۵۲/۵۶	۷۵/۱۵	۶۳/۶	۵۵/۳۸	۷۹/۸۴	۷۲/۱۷
۲۴	کهگیلویه و بویراحمد	۶۸/۱۷	۶۷/۰۱	۸۷/۶۹	۶۷/۱۷	۶۷/۰۴	۶۶/۱	۸۷/۶۲	۷۶/۵۹	۷۸/۴۸	۸۸/۶۹	۶۹/۸۳
۲۵	گلستان	-	-	-	-	-	-	-	-	۷۵/۳	۸۲/۰۴	۷۹/۶۴
۲۶	گیلان	۶۰/۶۳	۶۲/۶۸	۶۴/۴۱	۴۳/۶۲	۵۲/۴۱	۴۵/۰۷	۶۹/۴۸	۶۵/۱۲	۵۸/۴۰	۹۴/۱۱	۸۱/۶۴
۲۷	لرستان	۷۲/۶۶	۸۰/۳۵	۱۱۶/۵۴	۶۹/۳۶	۶۲/۹۲	۶۴/۸۸	۶۵/۰۴	۶۵/۰۴	۶۷/۱۷	۸۵/۷۱	۶۸/۲۱
۲۸	مازندران	۶۵/۴۱	۷۳/۲۵	۷۳/۷۸	۵۴/۶۸	۵۸/۸۴	۵۶/۲۷	۸۰/۲۵	۶۸/۵۵	۶۵/۱۹	۱۰۰/۲۴	۹۳
۲۹	مرکزی	۸۸/۴	۵۶/۵۳	۱۰۰/۴۹	۹۶/۱	۶۰/۷۱	۵۲/۳۶	۷۹/۶۲	۶۳/۹۲	۶۲/۰۹	۸۸/۷۵	۷۵/۶۱
۳۰	هرمزگان	۶۰/۳۹	۵۰/۲۹	۶۴	۴۵/۹۸	۴۷/۹۸	۵۲/۰۳	۸۵/۵	۷۶/۲۹	۷۸/۳۰	۸۰/۷۷	۷۷/۲۱
۳۱	همدان	۷۷/۳۱	۷۴/۸۲	۷۸/۱۵	۶۰/۶۸	۵۹/۹۹	۵۲/۷	۷۶/۲	۶۳/۰۴	۶۲/۳۴	۸۱/۱۲	۶۶/۷۲
۳۲	یزد	۸۰/۹۸	۷۹/۹۹	۸۳/۱۴	۶۶/۴۲	۶۶/۱	۶۰/۲۱	۹۳/۴	۸۹/۱۶	۷۶/۰۲	۱۰۰/۰۸	۸۶/۵۲
۳۳	میاندگین مشارکت	۶۷/۴۲	۶۴/۲۴	۷۴/۲۶	۵۴/۷۸	۵۴/۵۹	۵۰/۶۶	۷۹/۹۲	۶۶/۷۷	۶۲/۸۴	۸۵/۸۳	۷۲/۹۴

۳۵	تاریخ برگزاری	۱۱/۵/۱۳۵۸	۵/۲/۱۳۶۰	۷/۱۰/۱۳۶۰	۵/۲۵/۱۳۶۴	۵/۶/۱۳۶۸	۳/۲۱/۱۳۷۲	۳/۲/۱۳۷۶	۳/۱۸/۱۳۸۰	۳/۲۷/۱۳۸۴	۴/۳/۱۳۸۴	۳/۲۲/۱۳۸۸	۳/۲۴/۱۳۹۲
۳۴	رئیس جمهور منتخب	ابوالح سن بنی صدر	محمد علی رجایی	سید علی خامنه ایی	سید علی خامنه ایی	اکبر هاشمی رفسنجا نی	اکبر هاشمی رفسنجان ی	سید محمد خاتمی	سید محمد خاتمی	محمود احمدی نژاد	محمود احمدی نژاد	محمود احمدی نژاد	حسن روحانی

حضور اقوام در مدیریت کشور  
ملاحظه برخی از مفاد قانون اساسی از جمله اصول دوازدهم، هفتاد و دوم، یکصد و هفتم، یکصد و پانزدهم حاکی از اصل اسلامی و شیعی بودن نظام سیاسی ایران است، لذا به لحاظ حقوقی اقلیت‌های دینی و مذهبی از احراز پست‌های رهبری و بسیاری از نهادهای وابسته به رهبری، ریاست جمهوری و قوه قضائیه محرومند. شاید بتوان با توجه به مقایسه جمعیت اصول مزبور را توجیح کرد؛ ولی در سایر ارکان حکومتی و دولتی مشارکت اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی بسیار کم‌رنگ است؛ وضعیت مشارکت اقوام در مدیریت اجرایی کشور بیانگر عدم توازن حضور اقوام در قدرت سیاسی است (جدول ۲). حضور کم‌رنگ اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در مدیریت سیاسی کشور در سطح محلی و منطقه‌ای هم مشهود است.

جدول ۲) مشارکت اقوام در مدیریت کشور در دولت‌های پس از انقلاب تا سال ۱۳۹۳<sup>۱</sup>

دولت	آذربایجانی	بلوچ	ترکمن	عرب (شیعه)	کرد (شیعه)	کرد (سنی)
رجایی	۲۷/۲	-	-	-	-	-
باهنر	۸	-	-	-	-	-
مهدوی کئی	۹/۵	-	-	-	-	-
موسوی	۱۵	-	-	-	۲/۵	-
هاشمی رفسنجانی دور اول	۱۳/۳	-	-	-	۳/۳	-
هاشمی رفسنجانی دور دوم	۱۶/۶	-	-	-	۳/۳	-
خاتمی دوره اول	۹/۵	-	-	۲/۳	۲/۳	-
خاتمی دوره دوم	۱۲/۹	-	-	۳/۲	۳/۲	-
احمدی نژاد دوره اول <sup>۲</sup>	۱۳/۳	-	-	-	۶/۶۶	-
احمدی نژاد دوره دوم	۱۷/۱۴	-	-	-	۵/۴۱	-
روحانی	۱۱/۶۶	-	-	-	۵	-
حضور در مدیریت سیاسی کشور	۱۴	-	-	۰/۵	۲/۸۷	-

منبع: (یافته‌های محققین ۱۳۹۳ و نعمتی، ۱۳۸۲: ۱۱۳-۱۱۴)

<sup>۱</sup> - جامعه آماری تحقیق، رئیس دولت، معاونین رئیس دولت و وزیران کابینه می‌باشد. معیار دسته بندی افراد، مکان تولد افراد در استان‌های قومی است، لذا امکان ضریب خطا وجود دارد که سعی شده خطای مزبور کم باشد.

<sup>۲</sup> - در دولت نهم به غیر از چهار نفر که متولد شهرهای ترک‌نشین آذربایجان بودند، دو نفر دیگر هم اصالتاً از شهرهای آذربایجان بودند (نجار و دانش جعفری). نجار در دولت دهم هم حضور داشت.

### ج- سازمان‌یابی نهادهای مدنی از اقوام

از عوامل تاثیرگذار بر توسعه‌یافتگی سیاسی، احزاب و نهادهای مدنی است. سازمان‌یابی احزاب و نهادهای مدنی از اقوام مختلف در سطح ملی از یک سو موجب تعامل بیشتر نخبگان قومی و ملی با یکدیگر شده و لذا تفاهم بیشتری نسبت به مسائل و نیازها در سطح ملی و محلی خواهند داشت و از طرف دیگر این امکان را به اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی می‌دهد، تا در عرصه ملی و محلی مشارکت فعالی داشته باشند. بر اساس آمار وزارت کشور در حال حاضر قریب به ۲۳۳ حزب و تشکل سیاسی دارای مجوز در کشور است که اکثریت آنها (۱۵۶ تشکل سیاسی) در تهران دارای دفتر مرکزی هستند (اداره کل سیاسی وزارت کشور موجود در <http://www.moi.ir/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=2962eb70-705c-4728-a24f-df29c965dbd2>، شمار زیاد احزاب و تشکل‌های سیاسی در مورد نهادهای مدنی و

سازمان‌های غیردولتی نیز صادق است؛ نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی در سطح منطقه‌ای و استانی هر چند به لحاظ کمیت در شمار قابل توجهی قرار دارند (جدول ۳)، اما به لحاظ اجرایی، کارکردی و ساختاری دچار ضعف اساسی هستند و این مانع از ایفای نقش اساسی در مقام سازمان مردم‌نهاد می‌گردد؛ چنین وضعیتی در احزاب و تشکل‌های سیاسی هم حاکم است. ضعف عملکرد احزاب و نهادهای مدنی در سطح ملی، در سطح محلی و منطقه‌ای منعکس شده است. تشکیل احزاب ملی با عضویت نخبگان قومی موجب توسعه‌یافتگی سیاسی و همگرایی ملی می‌شود. در صورت نیاز، لازم است احزاب قومی مانند فراکسیون‌های پارلمانی شکل یابد؛ هر چند از لحاظ قانون اساسی منعی برای تشکیل احزاب وابسته به اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی وجود ندارد.

جدول ۳) سازمان‌های غیردولتی و شعبه‌های آن‌ها برحسب محدوده جغرافیایی فعالیت و استان

استان	عمران و آبادانی	فرهنگی	گردشگری	محیط زیست	مذهبی	اجتماعی	آسیب دیدگان	آموزشی	اجتماعی	ادبی	بهداشت و درمان	قرض الحسنه	پولی - مالی و	توانبخشی	حمایتی	علمی و پژوهشی	نیوکاری	ورزشی	هنری	مستندان	معاونان	بیماران خاص	سای بیماران
کل کشور	۹۰	۱۰۲۶	۶۳	۴۰۵	۳۰۹	۲۳۰	۱۴۴	۶۳۸	۲۶۴	۶۲	۴۰۳	۱۲۷۲	۳۰۱	۶۸۰	۳۹۳	۱۱۴۲	۱۶۱	۱۸۴	۶۲۵	۴۵۲	۲۲۳	۷۴	
آذربایجان شرقی	۱۸	۲۳	۰	۴۰	۳	۴	۴	۱۴	۸	۵	۵	۲۸	۱۱	۲۲	۱۳	۱۹	۸	۱۷	۱۷	۱۶	۵	۱	
آذربایجان غربی	۳	۱۴	۳	۱۴	۲	۵	۲	۱۸	۱۱	۲	۳	۲۸	۶	۸۱	۱۰	۱۱	۲	۴	۲۴	۳۲	۱۸	۱	
اردبیل	۲	۱۲	۲	۲	۸	۷	۱	۲۱	۶	۰	۶	۲۴	۵	۱۶	۷	۱۳	۱	۰	۵	۱۱	۰	۵	
اصفهان	۴	۸۲	۱۳	۲۰	۴۷	۷	۳	۶۴	۱۴	۱۴	۳۲	۳۹۷	۱۱	۲۶	۳۰	۳۲۳	۱۰	۱۳	۱۴۰	۱۱	۶	۴	
ایلام	۶	۱۱	۲	۲۵	۴	۸	۸	۳	۵	۲	۸	۹	۱۴	۸	۳	۱۲	۳	۲	۸	۱۸	۱	۰	
بوشهر	۲	۵۲	۱	۹	۱۵	۰	۱	۷	۹	۰	۱	۲	۴	۷	۴	۱۴	۹	۱۶	۳	۱۰	۲	۱	
تهران	۷	۱۵۷	۵	۳۶	۳۰	۱۵	۱۳	۱۱۰	۵۱	۶	۱۴۴	۱۰۶	۵	۱۴	۱۱	۱۵۲	۲۲	۲۲	۶۵	۴۳	۲۲	۱۹	
چهارمحال و بختیاری	۱	۳۱	۰	۱۳	۱۸	۰	۱	۲۳	۲	۱	۰	۱	۵	۱۴	۱۱	۳۸	۲	۱۳	۲۷	۱۶	۸	۲	
خراسان	۸	۶۵	۲	۱۱	۱۸	۳۱	۱۴	۳۰	۱۰	۶	۵۷	۸	۲۴	۶۴	۱۷	۱۳۱	۶	۱۲	۹۹	۴۴	۱۷	۱۷	
خوزستان	۵	۲۹	۱	۱۲	۵	۶	۶	۹	۹	۰	۱۱	۳۵	۱۹	۲۹	۱۱	۴۶	۰	۸	۳۵	۲۳	۱۵	۱	

۲	۲	۴	۸	۲	۱	۶	۱۰	۱۷	۳	۴	۵	۰	۴	۱۴	۳	۲	۳	۶	۵	۲۰	۰	زنجان
۰	۳	۴	۷	۰	۱	۱۸	۵	۱۱	۵	۵۹	۲	۰	۶	۱۵	۳	۴	۳	۴	۰	۲۷	۲	سمنان
۰	۲	۱۲	۸	۰	۱	۱۹	۹	۵	۹	۴	۰	۰	۱	۵	۲	۲	۱۰	۲۱	۶	۱۵	۱	سیستان و بلوچستان
۲	۲۳	۴۳	۳۹	۷	۱۱	۷۶	۱۷	۲۸	۳۳	۸۱	۲۶	۵	۲۱	۶۵	۲۲	۲۷	۴۸	۳۰	۲	۷۲	۳	فارس
۰	۱۱	۱۱	۲	۹	۶	۶	۱۲	۲۳	۴	۰	۴	۱	۸	۱۳	۱	۰	۲	۵	۰	۱۶	۳	قزوین
۲	۵	۶	۹	۴	۴	۲۰	۱۰	۵	۲	۱۱	۱۷	۳	۳	۱۲	۶	۱۳	۶	۱	۰	۲۳	۰	قم
۴	۲	۱۰	۱۱	۲	۵	۱۰	۳	۲۲	۶	۴	۲	۰	۹	۱۷	۱	۷	۱	۱۰	۰	۳۶	۱	کردستان
۱	۷	۹	۲	۴	۲	۱۹	۵	۱۲	۵	۱	۲۲	۰	۶	۱۹	۱۵	۱۵	۳	۷	۰	۷	۵	کرمان
۰	۷	۳	۱۲	۱۲	۶	۱۹	۱۵	۱۵	۰	۱۶	۶	۰	۹	۲۰	۶	۱۳	۳	۶	۴	۲۶	۲	کرمانشاه
۰	۳	۱	۹	۶	۲	۹	۷	۴	۱	۷	۰	۰	۶	۱	۱	۱	۱	۵	۳	۱۱	۱	کهگیلویه و بویراحمد
۰	۸	۱۹	۲	۷	۲۱	۱۳	۱۷	۱۴	۷	۲	۷	۱	۱۴	۳۶	۵	۲	۱۳	۴۲	۵	۸۱	۲	گلستان
۰	۱۰	۳	۲	۰	۱	۱۲	۳	۱۵	۷	۲۱	۹	۲	۵	۱۸	۴	۱۷	۹	۱۶	۰	۱۶	۰	گیلان
۴	۰	۲۱	۵	۱	۱۵	۱	۳	۱۳	۲۰	۶	۵	۰	۱۶	۷	۱	۷	۹	۱۶	۰	۱۶	۱	لرستان
۳	۲۷	۳۱	۱۴	۱	۱۵	۱	۱۵	۷۳	۱۹	۳۵۳	۴	۳	۳	۲۰	۹	۱۶	۵	۳۰	۱	۱۸	۵	مازندران
۱	۵	۱۴	۱۲	۴	۷	۵۳	۹	۱۴	۷	۲۵	۶	۲	۳	۱۶	۵	۱۰	۷	۵	۱	۲۶	۳	مرکزی
۰	۳	۵	۱۱	۳	۳	۱۴	۹	۲	۲	۱۱	۲	۰	۶	۱۳	۳	۳	۲	۵	۰	۵۷	۲	هرمزگان
۴	۷	۱۷	۳	۶	۳	۲	۱۰	۲۲	۱۰	۲۱	۱۲	۵	۷	۸	۰	۰	۸	۵	۴	۳۰	۲	همدان
۰	۴	۱۵	۴۶	۵	۶	۶۳	۱۴	۱۱	۱۲	۸	۷	۳	۱۲	۴۰	۴	۸	۲۷	۱۳	۳	۵۳	۱	یزد

منبع: معاونت امور سازمان‌های مردم‌نهاد وزارت کشور موجود در:

<http://saman.moi.ir/Portal/Home/Default.aspx?CategoryID=27a0bbb8-9d8e-42d8-a0d6-06f19d082f3b>

### عدالت سرزمینی یا جغرافیایی در توزیع منابع

مطالبات تجربی حاکی از آن است که در زمینه توسعه شاخص‌های اقتصادی و صنعتی هر چند که در طول ۳۶ سال بعد از انقلاب اسلامی روند رو به رشدی در تمامی استان‌ها داشتیم؛ لکن نابرابری‌های توسعه را بطور عمومی بین مناطق مرکزی و پیرامونی (در سطح ملی و منطقه‌ای) شاهد هستیم (عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۱؛ فطرس و بهشتی‌فر ۱۳۸۵؛ پوراحمد و همکاران ۱۳۸۳) (نقشه ۲). این امر حاکی از کم‌توجهی و بی‌عدالتی در زمینه توزیع منابع بین استان‌ها و مناطق قومی نشین کشور است. با توجه به این که بودجه‌ریزی و دخل و خرج در نظام سیاسی تک ساخت از بالا به پایین یعنی از مرکز سیاسی به پیرامون توزیع می‌شود؛ استدلال مدل رخنه به پایین<sup>۱</sup>

(توسعه از بالا به پایین) در قالب تحلیل اقتصادی و مدل مرکز-پیرامون، فرایند انتشار توسعه‌یافتگی از مرکز به پیرامون در قالب تحلیل جغرافیایی، بر خلاف اندیشه عموم که موجب تعادل منطقه‌ای<sup>۲</sup> می‌شود، برای تبیین توسعه‌یافتگی مناطق جغرافیایی چندان اعتبار علمی ندارد. اولاً: مدل توسعه بالا به پایین در قالب انتشار توسعه یافتگی از پایتخت ملی و قطب‌های رشد منطقه‌ای به نواحی پیرامونی و توسعه نیافته، نه تنها به ایجاد تعادل منطقه‌ای منجر نشده بلکه موجب افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای شده است. ثانیاً: بعضی از حالت‌های نابرابری از طریق مدل مرکز-پیرامون قابل تحلیل نیست. استان‌های چون زنجان، گیلان و اردبیل را می‌توان نام برد که به مرکز نزدیک‌تر هستند؛ با این حال از لحاظ شاخص‌های توسعه

<sup>۲</sup> . Regional Equilibrium

<sup>۱</sup> . Trickle Down Effect

تحلیل روند توسعه یافتگی در ایران بایستی مجموعه‌ای از عوامل: جغرافیایی و محیطی، مدیریتی (سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی)، نگاه امنیتی به استان‌های مرزی، رابطه مرکز - پیرامون، جغرافیای قدرت و... را در قالب مدل تحلیلی بررسی کرد تا درک ایده‌آل و صحیحی از عدم تعادل ملی و منطقه‌ای به دست آورد.

اقتصادی و صنعتی در مراتب متوسطی قرار دارند. حتی دخالت دادن عنصر جغرافیایی در تبیین توسعه نیافتگی نیز جای تامل دارد. زیرا در مقابل استان سیستان و بلوچستان که عقب مانده‌ترین استان کشور است، استان‌هایی همچون یزد، سمنان و کرمان را می‌توان نام برد که جزء استان‌های توسعه‌یافته کشور هستند، در حالی که این چهار استان به لحاظ شرایط اقلیمی و جغرافیایی خیلی با هم تفاوت ندارند. برای



نقشه ۲) تطابق سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور با پراکنش فضایی اقوام<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - در تهیه این نقشه، از نقشه اصلاح شده- توزیع فضایی اقوام (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۵۸) و داده‌های سطح بندی توسعه منطقه‌ای ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی) (عبدال... زاده و شریف زاده، ۱۳۹۱) استفاده شده است. نقشه توزیع فضایی اقوام بر اساس تمرکز جغرافیایی قومی است و پراکنندگی قومی در استان‌های دیگر لحاظ نشده است. در مرز فرهنگی قومی ممکن است اختلاطی ایجاد شود که به دلیل مرزی بودن قابل اغماض است.

### بودجه ریزی و برنامه ریزی در فضای جغرافیایی

در ایران به دلیل وجود نظام سیاسی تک ساخت، بودجه و برنامه ریزی از مرکز به پیرامون است. این وضعیت موجب مشکلات ذیل گردیده است.

برنامه‌ریزی بالا به پایین و عدم توجه به نیازها و استعدادهای منطقه‌ای، توسعه ناموزون و نابرابری‌های منطقه‌ای را به دنبال خواهد داشت. توسعه ناموزون و نابرابری‌های منطقه‌ای علاوه بر بی‌توجهی به استعدادهای منطقه‌ای به عواملی نظیر شرایط طبیعی، جغرافیایی و جمعیتی، ساختار برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، سیر و جهت سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی بستگی دارد که برای برخی از مناطق یک کشور توسعه اقتصادی و برای پاره‌ای دیگر از مناطق توسعه نیافتگی اقتصادی به بار می‌آورد (سلیمی فر، ۱۳۷۶: ۱۷۲). این عوامل با توجه به ساختار اقتصاد دولتی - با تمایل به اقتصاد سرمایه‌داری - با الگوی نظام برنامه‌ریزی متمرکز و بخشی کشور، بر روند توسعه ناموزون تاثیر مضاعف دارد.

عدم تعادل منطقه‌ای موجب ایجاد کانون‌های توسعه منطقه‌ای در کشور بطور عمومی و در مرکز (تهران) بطور خاص می‌شود. وجود بوروکراسی در ساختار حکومتی باعث شکل‌گیری و تجمع اداره‌ها، سازمان‌ها و خدمات عمومی (بیشتر) در مراکز و کانون‌های منطقه‌ای (تهران و کلان‌شهرها) می‌شود و لذا اغلب صنعتگران و تجار، فرهنگیان، مهندسين، پرسنل نظامی و اداری کل منطقه در مرکز و کانون منطقه‌ای جمع می‌شوند تا از مزایای تجمع ادارات و سازمان‌ها و خدمات عمومی کمال استفاده را نمایند؛ در نهایت موجب شکل‌گیری الگوی نامتوازن توسعه منطقه‌ای می‌شود؛ به طوری که منطقه‌ای، مرکز و کانون

توسعه‌یافته و منطقه‌ای دیگر منطقه عقب مانده و توسعه‌نیافته در می‌آید.

وجود تفاوت محسوس در توسعه‌یافتگی مرکز و پیرامون موجب مهاجرت شمار زیادی از مردم مناطق توسعه نیافته به طرف مناطق توسعه‌یافته می‌شود و نمونه آن مهاجرت داخلی در کشور است. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که بین میزان توسعه‌نیافتگی استان‌ها و میزان مهاجرت فرستی، رابطه مستقیمی با میزان ضریب همبستگی ۰/۵۶ وجود دارد (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۵: ۷۸). مهاجرت‌های داخلی ایران نیز نتیجه توزیع نابرابر جمعیت در رابطه با: امکانات طبیعی، عدم توزیع متناسب اعتبارات عمرانی و سرمایه - گذاری‌های ملی در بهره‌برداری از منابع طبیعی است؛ بخشی از این مشکلات ناشی از تمرکزگرایی شدید است که تبلور آن بصورت عدم تعادل منطقه‌ای و سایر امکانات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در نواحی مختلف کشور خودنمایی می‌کند. نتیجه چنین روندی آن است که بعضی از مناطق جغرافیایی ناگزیر نیروی کار بالفعل خود را به مناطق دیگر که سطح توسعه‌یافتگی بالایی دارند، انتقال می‌دهند. مهاجرت داخلی ایران از آن روی که بدون توجه به ظرفیت و پتانسیل واقعی مناطق انجام می‌گیرد موجب انباشتگی و تراکم جمعیت در یک کانون و تراکم کم جمعیتی و خالی از سکنه شدن مناطق پیرامونی می‌گردد. برای مثال، استان تهران با ۰/۸ درصد سهم مساحت کشور ۱۶/۲۱ درصد کل جمعیت را در خود جای داده است. سهم جمعیت روستایی از جمعیت کل کشور در سال ۱۳۳۵، حدود ۶۹ درصد بوده است که در سال ۱۳۹۰ به ۲۸/۶ درصد کاهش می‌یابد (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). جابه‌جایی جمعیت

و بومی، از بین رفتن کشاورزی و در نتیجه روی آوردن نیروهای شاغل در این بخش به بخش خدمات، صنعتی شدن ناموزون و ناهماهنگ و ... است (طاهری، ۱۳۷۵: ۱۳۸). وجود مالکیت منحصر بفرد دولتی و مدیریت هر گونه فعالیت در عرصه اقتصادی، موجب جلوگیری از بروز هر گونه خلاقیت و ابتکار خصوصی می‌گردد.

برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی از مرکز به پیرامون، خواه ناخواه موجب ایجاد مناطق بحرانی در نظام تقسیمات کشوری می‌شود. زیرا ارتباط بین دسترسی به خدمات و امکانات زیربنایی و تسهیلات بیشتر با افزایش سطوح تقسیمات کشوری، انرژی مورد نیاز افزایش تقاضا را فراهم آورده و رقابت‌های محلی با توجه به منشاء قومی ابزار مناسبی برای رشد این تقاضا را فراهم آورده‌اند. دسترسی به سطوح بالای تقسیمات کشوری با استفاده از شیوه‌های خشونت‌آمیز و فشارهای سیاسی، زمینه‌های بروز نارضایتی و اعتراض را در بین سایر سطوح هم وزن فراهم آورده است (احمدی‌پور، ۱۳۸۰: ۵۶۴-۵۶۵).

### گسترش شبکه ارتباطی در کشور

شبکه ارتباطی در کشور بصورت شعاعی است. وجود خطوط شبکه‌های حمل و نقل و ارتباطات شعاعی (مرکز- پیرامون) موجب شده است که این الگوی ستاره‌ای و شعاعی ظرفیت کافی برای ارتباط مرکز- پیرامون را نداشته باشد. مناطق پیرامونی به دلیل عدم وجود شبکه ارتباطی مدور و متداخل در کشور با یکدیگر ارتباطی نخواهند داشت. ارتباط ضعیف و ناکارآمد بین مرکز - پیرامون و پیرامون - پیرامون در ارتباط و تعامل مادی و معنوی مناطق جغرافیایی تاثیر

از مناطق روستایی به مناطق شهری، علاوه بر متروک و بالا استفاده شدن زمین‌های کشاورزی، در مناطق شهری جمعیت اضافی بصورت حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های اکولوژیک مجزا، چهره شهر را نامطلوب می‌نمایاند و نقطه شروعی بر معضلات زیستی و اکولوژیکی شهرها است.

برنامه‌ریزی متمرکز موجب گردیده که برنامه‌های توسعه برای تمامی کشور، بدون رویکرد منطقه‌ای طراحی و اجرا شوند؛ در حالی که اگر در این برنامه‌ریزی‌ها به رویکرد منطقه‌ای توجه داشتند؛ بایستی برنامه‌ریزی، ویژه هر منطقه بوده و برنامه‌ریزی از پایین به بالا طراحی و اجرا می‌شد؛ از یک واحد کوچکتر (روستا) تا واحد بزرگتر (مرکز شهرستان) تا با توجه به مقتضیات محلی و منطقه‌ای برنامه‌ریزی مناسبی انجام شود. هر منطقه‌ای بر اساس موقعیت و وضعیت جغرافیایی و اقتصادی خود شرایط خاصی را می‌طلبد که در جای دیگر آن شرایط و مقتضیات حاکم نیست. در محیط جغرافیایی ایران، به دلایلی همچون: تنوع شرایط اقلیمی، استعداد خاص هر منطقه برای توسعه، پراکندگی بیش از حد مناطق، لزوم اتخاذ تصمیم‌های سریع با توجه به شرایط و موقعیت‌های موجود در منطقه، لزوم هماهنگی بین امور توسعه اقتصادی، بایستی بخشی از وظایف دولت که اعمال تصدی و فعالیت‌های مربوط به توسعه اقتصادی کشور است، به طور غیرمتمرکز و هماهنگ در منطقه عملیات انجام پذیرد (طاهری، ۱۳۷۵: ۱۳۷-۱۳۶).

بودجه و برنامه‌ریزی از مرکز به پیرامون، موجب بوروکراسی زاید اداری و گسترش روز افزون آن است. افزایش بی‌رویه بوروکراسی در ایران علل مختلفی دارد، از جمله از بین رفتن صنعتگران کوچک



پیش به سوی پذیرش اصل تنوع و تکثر قومی و فرهنگی پیش می‌رود (سیدامامی، ۱۳۷۷: ۱۲). در برخی کشورها، همچون امریکا، سوئیس، کانادا، استرالیا و بریتانیا، سیاست چند فرهنگی<sup>۲</sup> و چند فرهنگ باوری رسماً ترویج می‌شود (کریمی مله، ۱۳۸۵: ۹۷-۹۸). بررسی اصول قانون اساسی بر وجود جامعه چند فرهنگی و قومی تا حدودی صحنه می‌گذارد؛ هر چند از اقوام ایرانی یاد نکرده است. در اصول هفتم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم و نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشخصاً درباره اقلیت‌های دینی و مذهبی سخن رفته است. اگر چه اصول مطرح در قالب قانون اساسی مناسب است ولی کافی نبوده و اجرایی شدن آنها ضروری می‌باشد. اصل ۱۵ قانون اساسی که بر وجود جامعه چند فرهنگی (زبانی، دینی و مذهبی) در ایران صحنه گذاشته است؛ از اصول معطل قانون اساسی است.

### تعامل و روابط اقوام با یکدیگر

تراکم روابط بین قومی

تعامل و روابط اقوام و مناطق جغرافیایی حاشیه‌ای کشور ضعیف است. اقوام کشور به جزء در پایتخت آن هم به شکل خیلی ناچیز عملاً با یکدیگر در تعامل نیستند. برای مثال: مردم دو قوم بلوچستان و آذربایجان تعامل خیلی کمی با یکدیگر داشته و روابط بین قومی محدودی دارند. تراکم روابط بین قومی در کشور، در چهار حوزه اقتصادی (معیشتی)، سیاسی (تعارضی)، فرهنگی (فکری) و اجتماعی (عاطفی) بطور کلی پایین است. اما در این میان، رابطه‌های عاطفی اقوام با یکدیگر در مجموع بیش از روابط فکری، معیشتی و

نامطلوبی خواهد گذاشت. در ساخت و توسعه و بهبود شبکه راه‌ها، علاوه بر بالا بردن ظرفیت شبکه، بایستی ارتباط شبکه به نقاطی که دارای پتانسیل بالای اقتصادی و تمرکز بالای جمعیتی هستند و ارتباط استان‌های مرزی با یکدیگر و با مرکز، توجه کافی مبذول گردد. پیوند شبکه‌های ارتباطی و حمل و نقل مرزی با خطوط مواصلاتی کشورهای همسایه و همجوار، موجب اتصال ایران به شبکه‌های ارتباطی منطقه‌ای و بین‌المللی گردیده و موجب رشد اقتصادی استان‌های مرزی و اقتصاد ملی می‌گردد.

### ارزش‌ها و هنجارهای قومی

وضعیت توسعه‌یافتگی استان‌ها از لحاظ دستیابی به امکانات فرهنگی و توسعه‌یافتگی فرهنگی مانند توسعه اقتصادی و صنعتی، گویای نابرابری در دسترسی استان‌ها به امکانات فرهنگی است (زیاری، ۱۳۷۹؛ محمودی و فیض پور، ۱۳۷۶).

یکی از عوامل توسعه‌یافتگی فرهنگی وجود امنیت اجتماعی<sup>۱</sup> در جامعه است. امنیت اجتماعی را می‌توان چنین تعریف کرد: عدم ترس، خطر و هراس در حفظ و نگهداری ویژگی‌های مشترک گروه اجتماعی چون مذهب، زبان و سبک زندگی (پورسعید، ۱۳۸۶: ۴۵؛ نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۱). بر این اساس هر راهبردی برای تامین همبستگی ملی، بایستی تضمین‌کننده امنیت اجتماعی و احترام بر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی - اجتماعی اقوام باشد. در ایران در امور فرهنگی نوعی تمرکز ایجاد شده است و این کاملاً با خصوصیات جغرافیایی - فرهنگی ایران که جامعه چند فرهنگی است، در تضاد است. افکار عمومی جهان بیش از

<sup>2</sup>. Multiculturalism

<sup>1</sup>. Social Security

تعاملی جامعه است. افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه، موجب بالا رفتن ضریب همبستگی ملی در جامعه می‌شود. سرمایه اجتماعی در این مفهوم، به وجود اجتماعات، سازمان‌ها و تشکل‌هایی که اقوام مختلف در آن در کنار هم و یا روبروی هم قرار گیرند و در خصوص مسائل مورد علاقه و نیاز طرفین به گفتگو و کنش متقابل ارتباطی پردازند، مربوط است. حال بر پایه این مباحث می‌توان گفت که تعامل و ارتباط بین فرهنگ‌ها و اقوام در سازوکارهایی قابل تحقق و بررسی است که اهم آن به قرار ذیل است (حاجیان، ۱۳۸۱: ۸۱ و ۱۳۸۰: ۱۷۱):

الف- گفت‌وگو و تماس مستقیم بین نخبگان و فعالان علمی در جلسات رودررو، همایش‌ها، کارگاه‌های آموزشی، نمایشگاه‌های علمی، فرهنگی، هنری و حتی سیاسی. ب- گفت‌وگو و تماس غیرمستقیم از طریق کتاب‌ها و متون تخصصی. ج- تقویت ارتباطات برای یکپارچه ساختن عواطف و احساسات موجود و تقویت علائق و منافع مشترک و زدایش تصورات قالبی.

ارتباط بین اقوام و فرهنگ‌های مختلف جدا از مهاجرت داخلی در کشور است. زیرا در امر مهاجرت، مشکل ناهماهنگی فرهنگ‌های مختلف (قرخلو، ۱۳۸۲: ۸۲) و تغییر بافت جمعیتی در منطقه مهاجرپذیر، موجب تنش‌های قومی در کشور می‌شود.

### بحث

با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان تحلیل‌های ذیل را ارائه نمود:

در انتخابات ریاست جمهوری اقوام نرخ مشارکت متناوب و متفاوتی دارند و به مرور آراء انتخاباتی

تعارضی است. در چهار حوزه از روابط بین قومی، روابط شدیداً نامتقارن است. یعنی گیرندگی و فرستندگی روابط اقوام تناسبی با یکدیگر ندارد. فارس‌ها بیشترین گیرندگی رابطه و کمترین فرستندگی رابطه را دارند. بلوچ‌ها در نقطه مقابل فارس‌ها قرار می‌گیرند (یوسفی، ۱۳۸۰: ۴۰). در ایران فاصله اجتماعی\* بین اقوام بیشتر است. فقر فرهنگی و اقتصادی، قوم‌گرایی، پایین بودن دانش و آگاهی اقوام درباره یکدیگر، شدت تعاملات درون گروهی و ضعف تعاملات بین گروهی، مانع کاهش فاصله اجتماعی بین اقوام و قشرهای ایران شده است. وجود فاصله اجتماعی بیشتر می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری تضادهای قومی و در سطح بالاتر شکاف‌های قومی باشد که این امر، اقتدار و همبستگی ملی را تضعیف خواهد نمود (عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۲: ۳-۳۶).

### گفتگو و کنش ارتباطی بین اقوام

یکی از عوامل رسیدن به توسعه یافتگی فرهنگی و حفظ وحدت ملی، کنش ارتباطی و روابط گفتگومانی میان اقوام است. وجود تعامل و ارتباط میان اقوام را می‌توان در قالب نظریه هابرماس در مورد کنش ارتباطی<sup>۱</sup> نیز تحلیل کرد که در آن تعامل و گفتگو، از مهمترین عوامل رسیدن به درک مشترک و همزیستی مسالمت‌آمیز است. تعامل و روابط بیشتر میان اقوام موجب بالا رفتن سرمایه اجتماعی در جامعه می‌شود. منظور از سرمایه اجتماعی، روابط و تعامل در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شبکه

\* گرایش اعضای یک قوم به پذیرش اجتماعی و احساس نزدیکی یا طرد اعضای اقوام دیگر را فاصله اجتماعی (social distance) گویند.

<sup>۱</sup> Communicative Action

استعدادهای منطقه‌ای را ضایع می‌کند، منجر به ضعف و عدم ارتباط بین مناطق پیرامونی می‌شود. هر یک از مناطق و واحدهای جغرافیایی - سیاسی در فضای کشور باید به لحاظ اقتصادی مکمل هم در فرایند توسعه ملی باشند. ارتباط اقتصادی مناطق جغرافیایی و پیرامونی منوط به تخصصی شدن تولید و ارتقاء استعدادهای محیطی است. تمرکز امور در مرکز و فرایند برنامه‌ریزی از بالا به پایین، عدم توجه به استعداد و پتانسیل منطقه‌ای، ضعف و عدم ارتباط اقتصادی مناطق همجوار و پیرامونی، موجب می‌شود مناطق جغرافیایی به لحاظ کارکردی مکمل هم نبوده و کنش ارتباطی یکسویه (مرکز - پیرامون)، در نهایت باعث خروج مناطق از فرایند توسعه و تبدیل شدن به منطقه توسعه‌نیافته می‌شود؛ مرکز هم توانایی حل مشکلات را ندارد. در این حالت علاوه بر شکل‌گیری روابط یکسویه مرکز- پیرامون، بین پیرامون- پیرامون هم ارتباطی ایجاد نخواهد شد یا ارتباط خیلی ضعیف خواهد بود. برای مثال: توسعه اقتصادی کشور ایجاب می‌کند که در کشور شبکه‌های خطوط ارتباطی و حمل و نقل نظیر راه آهن ایجاد شود؛ با وجود سیاست‌های متمرکز اقتصادی تمامی خطوط شبکه‌ای راه آهن بین مرکز - پیرامون احداث می‌گردد و در نتیجه مناطق پیرامونی به دلیل نبود روابط بین آنها، از فرایند مبادله کالا و ارتباطات اقتصادی دور می‌مانند و ارتباطی با یکدیگر نخواهند داشت. با این وصف، چنین مناطقی (پیرامون) به لحاظ کارکردی (اقتصادی) مکمل هم نبوده و در فرایند تقسیم کار تخصصی و اقتصادی عملکرد ضعیفی خواهند داشت. تنها با نقش‌پذیری اقتصادی مناطق (استفاده از استعدادهای منطقه‌ای) و ارتباط مابین مناطق جغرافیایی است که این مناطق به لحاظ کارکردی به یکدیگر وابسته بوده، مکمل هم عمل نموده و کنش ارتباطی دوسویه خواهند داشت. نقش‌پذیری مکان‌ها، استفاده از استعدادهای منطقه‌ای و کنش ارتباطی بین مناطق جغرافیایی در درازمدت،

بیانگر افزایش مشارکت انتخاباتی اقوام است. مشارکت انتخاباتی اقوام در قالب انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی بیشتر صبغه محلی - مکانی دارد و بازگوینده رقابت‌های محلی است و نمی‌تواند همچون انتخابات ریاست جمهوری، مشارکت در سطح ملی و تعلق به واحد ملی را تبیین نماید. در سطح محلی نهادهای محلی از جمله شوراها مطابق اصول هفتم، یکصدم الی یکصد و ششم مدیریت امور محلی را بر عهده دارند؛ کارایی این نهادهای محلی به دلیل توزیع قدرت سیاسی به شکل نامطلوب در هاله‌ای از ابهام است. با توجه به تغییرات ژئوپلیتیکی در فضای پیرامون ایران و دورنمای مشارکت اقوام - هم ریشه با اقوام ایرانی - در روند سیاسی کشورهای همسایه، عدم توجه به مشارکت اصولی اقوام در اداره امور کشور بر وضعیت همبستگی ملی تاثیر سوئی خواهد گذاشت. در حوزه سیاسی به دلیل حضور کم اقوام (به غیر از ترک‌های آذری) در مدیریت سیاسی کشور فرایند مشارکت سیاسی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.

در حوزه اقتصادی، وضعیت توسعه‌یافتگی مناطق قومی‌نشین نسبت به گذشته از وضعیت رو به رشدی برخوردار است؛ اما وضعیت مرکز- پیرامون در امر توسعه‌یافتگی کماکان بین استان‌های مرکزی کشور و استان‌های پیرامونی که محل زیست اقوام است، پایدار است. عدم توسعه‌نیافتگی مناطق پیرامونی و مرزی در نهایت موجب ایجاد شکاف و تضاد اجتماعی و قومی در کشور می‌شود. با عنایت به اینکه در ایران مرزهای جغرافیایی - سیاسی با مرزهای فرهنگی و قومی انطباق ندارد، رشد شتابان فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی در کشورهای همسایه با داشتن اشتراکات قومی و زبانی با اقوام پیرامونی کشور و کمتر توسعه‌یافتگی در مناطق مرزی، در آینده موجب شکل‌گیری معضلات امنیتی برای کشور می‌شود. تمرکزگرایی شدید در کشور علاوه بر این که

توسعه محلی، منطقه‌ای و ملی را در پی خواهد داشت و این توسعه یافتگی موجب تقویت همبستگی ملی می‌شود.

در بحث توسعه فرهنگی، مشکل اول مربوط به عدم نهادینه شدن جامعه چند فرهنگی در جامعه ایران است؛ ضعف‌هایی که در راستای حفظ و تداوم زبان و ادبیات اقوام (مکتوب) وجود دارد از عینی‌ترین معضلات در حفظ هویت قومی است. باید زمینه تدریس زبان و ادبیات اقوام در مدارس و آموزش عالی فراهم شود؛ با توجه به این که مطالبات فرهنگی، درخواست عمده اقوام همراه با مطالبات اقتصادی و سیاسی است. اگر نگاهی به توزیع بی‌سوادی در نقشه ایران با محل استقرار اقوام بیندازیم نوعی ارتباط معنادار در این مورد دیده می‌شود.<sup>۱</sup> یکی از عوامل تاثیرگذار در افزایش بی‌سوادی در این مناطق علاوه بر فقر اقتصادی و توزیع نابرابر امکانات، عدم تدریس زبان و ادبیات اقوام (غیرفارس زبان) در مدارس است. توسعه فرهنگی در مناطق قومی علاوه بر اینکه یکی از ارکان توسعه همه‌جانبه در مناطق قومی است، توسعه فرهنگی کشور را نیز بهبود می‌بخشد. مشکل دوم در حوزه فرهنگی، عدم ارتباط و تعامل مناسب اقوام است. گفت‌وگو و تعامل یکی از راه‌های برقراری ارتباط بین فرهنگ‌های مختلف است. گفت‌وگو و تعامل زبانی، تقویت سیاست وحدت در تکثر است. سیاست وحدت در تکثر لازمه ایجاد همبستگی کارکردی در نظام اجتماعی است؛ زیرا اقوام برای اینکه مکمل هم در کارکردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باشند، لازم است شناختی از طرف مقابل خود داشته باشند.

با توجه به یافته‌های تحقیق بنظر می‌آید یکی از عوامل مهم در کمتر توسعه یافتگی اقوام در سه بعد مذکور، تمرکزگرایی شدید در نظام سیاسی تک ساخت<sup>۲</sup> ایران و اجرای سیاست‌های نوسازی در یکصد سال اخیر است. در نظام سیاسی تک ساخت تمامی سرزمین کشور تحت کنترل مرکز قرار دارد (Short, 1993: 99-100). در این نظام سیاسی، دولت مرکزی [حکومت] تمامی مدیریت‌های محلی را تحت نظارت دارد و میزان قدرت آنها را تعیین می‌کند (میرحیدر، ۱۳۸۵: ۱۴۸). نظام سیاسی تک ساخت (به لحاظ نظری) مطلوب کشورهای است که از ملت همگون، یکدست و از تفاوت‌های جغرافیایی کمتری برخوردار باشند (Glassner & Fahrner, 2004: 108-109). بنظر می‌آید ویژگی تمرکزگرایی شدید در نظام سیاسی تک ساخت ایران، بر فرایندهای توسعه مطلوب تاثیر منفی گذاشته است. ایران کشوری ناهمگون از بعد طبیعی و انسانی است و تمرکز شدید در امور اداری، اجرایی، برنامه‌ریزی و حتی سیاست‌های فرهنگی متمرکز، منطبق با ساختارهای جغرافیایی، انسانی و فرهنگی کشور ایران نیست. در ایران ساختار مدیریتی بخش عمومی به شدت متمرکز است؛ تمرکزگرایی شدید موجب عدم شناخت و بی‌توجهی به ترجیحات و سلیقه مردم در سطح منطقه‌ای و محلی می‌شود. اگر در جامعه، درجه تمرکز ساختار مدیریتی بخش عمومی بصورت منطقه‌ای کاهش یابد، به عبارت دیگر، اگر در جامعه‌ای نظام دولت‌های محلی برقرار شود:

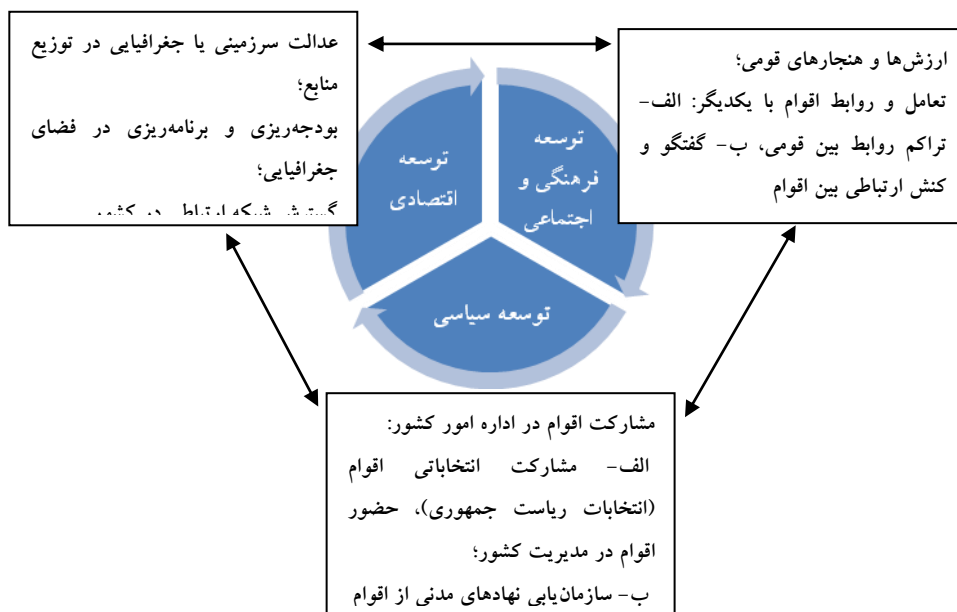
الف- منجر به تخصیص بهینه‌تر منابع می‌گردد. زیرا با توجه به ارتباط مستقیمی که با مردم دارند، اطلاعات عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات عمومی محلی (دولت محلی)، از سلیقه‌ها و اولویت‌های متقاضیان آن کالاها و خدمات افزایش خواهد یافت و همین مسئله منجر به کاهش عدم تعادل در بازار این

<sup>۱</sup> - سه استان سیستان و بلوچستان (۷۱/۵۶)، کردستان (۷۷/۹۷) و آذربایجان غربی (۷۸) کمترین میزان باسوادی را در سرشماری ۱۳۹۰ داشتند.

<sup>۲</sup> Unitary State

عامل دیگری که بر روند توسعه نامطلوب نواحی جغرافیایی بخصوص از حیث اقتصادی تأثیر گذاشته است پی‌گیری سیاست‌های نوسازی در برنامه‌های توسعه ایران است که به این عامل در تحقیق سیف الهی و حافظ امینی اشاره شده است. پی‌گیری سیاست‌های نوسازی بدون توجه به مزیت‌ها و خصوصیات مناطق جغرافیایی (طبیعی و انسانی) و تأکید بر مناطق مستعد جغرافیایی برای توسعه در قالب نظریه پخش، برنامه ریزی دولت محور (بالا به پایین) و اجرای متمرکز برنامه‌های دولتی برای تمامی مناطق جغرافیایی، نه تنها توسعه مطلوب را به بار نیاورد، بلکه از پخش امواج توسعه به نواحی پیرامون عاجز بود.

گونه کالاها و خدمات (کاهش تفاوت بین عرضه و تقاضای این گونه کالاها و خدمات) گردیده و رفاه اجتماعی را بالا خواهد بود. ب- در حالت عدم تمرکز، چون که مسئولان و قانونگذاران محلی از یک سوی، منتخب مردم هستند و از سوی دیگر، تحت نظارت نزدیک و مستقیم مردم هستند، در نتیجه، در کار خود احساس مسئولیت بیشتری خواهند کرد. ج- در حالت عدم تمرکز، مردم عرضه کالاها و خدمات عمومی ناشی از مالیات‌های پرداختی خود را به وضوح مشاهده خواهند کرد و در نتیجه تمایل بیشتری برای تأمین مالی عرضه این گونه کالاها و خدمات از خود نشان خواهند داد (خوشکلام خسروشاهی، ۱۳۷۸: ۹۸-۱۰۴).



نمودار ۲. یافته‌های تحقیق

خطی - در تمامی ابعاد- دوری نماید. تحقیق مزبور به تبیین رابطه بین توسعه یافتگی سرزمین با سازه‌های انسانی مستقر در ایران (سازه قومی) با تاسی از رویکرد جغرافیای انتقادی، انسان‌گرا و نوسازی اصلاح

### نتیجه‌گیری

ایران کشوری با سازه‌های انسانی متنوع در همه ابعاد، برای توسعه ملی نیاز دارد تا به همه تفاوت‌های موجود توجه نموده و از پی‌گیری رویکرد توسعه تک

توسعه اقتصادی کشور است. در حوزه فرهنگی: تخصیص بودجه و اعتبارات ملی برای مناطق کمتر توسعه یافته در عرصه فرهنگی، اجرای اصول معطل قانون اساسی در باب اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی، تاکید بر جامعه چند فرهنگی، بالا بردن ارتباط و تعامل گروه‌های قومی، توجه و احترام به زبان، اعتقادات مذهبی، ارزش‌ها، آداب و رسوم و فرهنگ اقوام و استفاده از آئین‌ها و مناسک مشترک ملی برای پیوند اقوام با یکدیگر از جمله راه کارهایی است که موجب توسعه فرهنگی در کشور می‌شود. بایستی توجه داشت که تاکید بر ویژگی‌های مشترک، منجر به تسلط ارزش‌ها و فرهنگ قومی در قالب ارزش‌های ملی بر اقوام دیگر نشود؛ این امر علتی برای واگرایی ملی است.

### تشکر و قدردانی

قسمتی از این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس با عنوان «بررسی رابطه بین نظام سیاسی بسیط (تک ساخت) با همبستگی ملی (مطالعه موردی: ایران)» است. اثر مزبور توسط نویسنده اول مقاله در سال ۱۳۸۸ انجام یافته است. نویسندگان از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس سپاس و تشکر دارند.

### منابع

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سروش.

احمدی پور، زهرا؛ الهویردی زاده، رضا و نائیجی، مختار (۱۳۸۹). ارزیابی نقش شورای اسلامی در توسعه

شده پرداخته است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که توسعه یافتگی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اجتماعی جامعه ایران از روند مطلوبی تبعیت نمی‌کند؛ بنظر می‌آید تمرکزگرایی شدید در نظام سیاسی تک ساخت ایران و نوسازی دولت محور از دلایل مهم در کمتر توسعه یافتگی اقوام در ایران است. پی‌گیری سیاست‌های توسعه و نوسازی متمرکز و دولت محور در ایران، در مقاطعی از تاریخ و در دوره‌های گذار سیاسی، موجب واگرایی ملی شده است. نیاز است برنامه‌ها و سیاست‌های ملی به سمتی سوق یابد که از تمرکزگرایی شدید و نوسازی دولت محور فاصله بگیرد. تمرکززدایی در اداره سرزمین و توزیع فضایی قدرت سیاسی، همراه با رویکرد چندوجهی و توجه به تنوعات انسانی، از مشخصه‌های مهم توسعه در عصر جدید است. در حوزه سیاسی استفاده از اقوام در قدرت سیاسی، حضور احزاب ملی در پهنه ملی و عضوگیری از تمامی نقاط کشور، شکل‌گیری احزاب وابسته به گروه‌های قومی و اقلیت‌های دینی و مذهبی، تفویض قدرت به نهادهای محلی در قالب اجرای تمرکززدایی (نهادهای محلی مردمی) و تراکم‌زدایی (نهادهای محلی دولتی) و ترغیب به مشارکت مردم در امور سیاسی؛ از جمله راه کارهایی است که موجب توسعه سیاسی در کشور می‌شود. در حوزه اقتصادی: تخصیص بودجه و اعتبارات ملی برای مناطق کمتر توسعه یافته، استفاده از پتانسیل‌های منطقه‌ای و تخصصی شدن مناطق (در سطح استانی و ناحیه‌ای) در عرصه تولید ملی، گسترش شبکه‌های ارتباطی و حمل و نقلی بین مناطق مرکزی و پیرامونی و ارتباط اقتصادی مناطق با یکدیگر و استفاده از برنامه‌ریزی-های منطقه‌ای و آمایش سرزمینی، یک نیاز ضروری در

حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۰). مسئله وحدت قومی و الگوی سیاست قومی در ایران. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳، صص ۱۳۷-۱۷۷.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: انتشارات سمت.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک انسان‌گرا. سخن سردبیر، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال سوم، شماره سوم، صص ۱-۴.

حسن‌پور، زینب (۱۳۸۹). بررسی رفتار انتخاباتی قوم عرب خوزستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، به راهنمایی دکتر علی کریمی‌مله، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران.

حق‌پناه، جعفر (۱۳۷۷). جامعه مدنی و قومیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات راهبردی*، شماره ۲، صص ۱۲۹-۱۴۴.

خوشکلام خسروشاهی، پرویز (۱۳۷۸). آثار تمرکززدایی از ساختار مدیریتی بخش عمومی در ایران بر سطح رفاه جامعه با تأکید بر ابعاد اقتصادی. *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۴۱ و ۴۰، صص ۹۱-۱۲۸.

دفتر انتخابات وزارت کشور (۱۳۹۳/۲/۱۶). *آمار درصد مشارکت یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان*.

رجب‌نسب، حمید (۱۳۸۰). بررسی تئوریک توسعه، گوناگونی قومی و همبستگی ملی. *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۹، صص ۱۰۱-۱۳۲.

رمضان‌زاده، عبد... (۱۳۷۶). توسعه و چالش‌های قومی، *مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی*، جلد دوم، وزارت کشور، صص ۲۳۳-۲۵۱.

روستایی. *مدرس علوم انسانی - برنامه ریزی و آمایش فضا*، شماره سوم، صص ۱-۲۰.

احمدی‌پور، زهرا (۱۳۸۰). پایداری امنیت عمومی در بستر تقسیمات کشوری. *مقالات ارائه شده در همایش امنیت عمومی و وحدت ملی، معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور*، صص ۵۵۶-۵۶۹.

اداره کل سیاسی وزارت کشور. مشخصات شکل‌های سیاسی. موجود در

<http://www.moi.ir/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=2962eb70-705c-4728-a24f-df29c965dbd2> آخرین مراجعه: ۱۳۹۳/۲/۲۰.

اوزکریمی، اوموت. *نظریه‌های ناسیونالیسم*. ترجمه: محمدعلی قاسمی (۱۳۸۳)، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

پرچمی، داود (۱۳۸۶). بررسی مشارکت مردم در نهمین انتخابات ریاست جمهوری. *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۵۳، صص ۳۷-۸۲.

پوراحمد، احمد؛ حبیبی، کیومرث و زندی بختیاری، پروانه (۱۳۸۳). بررسی روند تغییرات توسعه یافتگی استان‌های کشور (دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۸۲). *نامه پژوهش فرهنگی*، شماره ۹، صص ۳-۲۲.

پورسعید، فرزاد (۱۳۸۶). گوناگونی و انسجام ملی در جامعه ایرانی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره اول، صص ۳۳-۶۰.

پیت، ریچارد و هارت‌ویک، الین. *نظریه‌های توسعه*. ترجمه مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی و اسماعیل رحمان‌پور (۱۳۸۴)، تهران: نشر لویه.

حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۱). گفت‌وگوی بین فرهنگی و انسجام ملی. *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۱۲، صص ۷۵-۸۹.

طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۵). حکومت‌های محلی و عدم تمرکز. تهران: انتشارات قومس.

عالمی، مسعود (۱۳۹۰). انسجام کارکردی، نهادهای اجتماعی و تاثیر آن بر فرایند توسعه. مجموعه مقالات همایش ملی نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی، به اهتمام دکتر مجتبی مقصودی، صص ۲۷۵-۲۹۴.

عبداللهی، محمد و قادرزاده، امید (۱۳۸۲). فاصله قومی و عوامل موثر بر آن در ایران. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۱-۳۶.

عبدالله زاده، غلامحسین و شریف زاده، ابوالقاسم (۱۳۹۱). سطح بندی توسعه منطقه‌ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی). مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱۳، صص ۴۱-۶۲.

غفاری، مسعود و زرین کاویانی، بهروز (۱۳۹۰). بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶-۱۳۸۴. فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره اول، صص ۸۸-۱۱۰.

فطرس، محمدحسن و بهشتی‌فر، محمود (۱۳۸۵). تعیین سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و نابرابری بین آنها طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳. نامه اقتصادی، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۲۲.

قادری، حاتم (۱۳۸۲). اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم. تهران: انتشارات سمت.

قرخلو، مهدی (۱۳۸۲). تحکیم همبستگی ملی با تاکید بر عناصر جغرافیایی فرهنگی در ایران. پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۶، صص ۷۵-۸۶.

قرخلو، مهدی و حبیبی، کیومرث (۱۳۸۵). تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌های

زیاری، کرامت ... (۱۳۷۹). سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استانهای ایران. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۹۱-۱۰۴.

سالنامه آماری کشور، سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۰). تهران: مرکز آمار ایران.

ساعی، علی (۱۳۸۸). توسعه آموزشی و مشارکت انتخاباتی: مطالعه موردی انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۵، صص ۱-۲۳.

سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۷۶). ناهمگونی‌های اقتصادی منطقه‌ای در ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۱-۱۲۲، صص ۱۷۲-۱۸۱.

سیدامامی، کاووس (۱۳۹۰). پژوهش در علوم سیاسی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و دانشگاه امام جعفر صادق (ع).

سیدامامی، کاووس (۱۳۷۷). یکپارچگی ملی و رشد هویت‌های قومی. فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، صص ۷-۱۷.

سیف الهی، سیف ... و حافظ امینی، حمیرا (۱۳۸۸). برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تاثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران. پژوهش نامه علوم اجتماعی، شماره دوم، صص ۶۹-۱۰۳.

شکویی، حسین (۱۳۷۵). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. جلد اول، تهران: سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.

شکویی، حسین (۱۳۸۴). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. جلد دوم: فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی. تهران: سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.



معاونت امور سازمان‌های مردم‌نهاد وزارت کشور (۱۳۸۳). سازمانهای غیردولتی و شعبه‌های آنها برحسب محدوده جغرافیایی فعالیت و استان. موجود در:

<http://saman.moi.ir/Portal/Home/Default.aspx?CategoryID=27a0bbb8-9d8e-42d8-a0d6-06f19d082f3b> آخرین مراجعه: ۱۳۹۳/۲/۲۰

مهدی‌زاده، مهران (۱۳۸۷). بررسی میزان مشارکت انتخاباتی شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، به راهنمایی دکتر علی ساعی، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

میرحیدر، دره (۱۳۸۵). مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.

نتایج انتخابات ریاست جمهوری (دوره دهم). موجود در: <http://www.moi.ir/Portal/Home/> مراجعه: ۱۳۹۳/۲/۱۶.

نوذری، حسینعلی (۱۳۸۴). نظریه‌ی انتقادی مکتب فرانکفورت در علوم اجتماعی و انسانی. تهران: انتشارات آگه.

هاچینسون، جان و اسمیت، آنتونی. ملی‌گرایی. ترجمه: مصطفی یونسی و علی مرشدی‌زاد (۱۳۸۶)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نعمتی، محمدرضا (۱۳۸۲). بررسی میزان مشارکت اقوام در مدیریت سیاسی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تاکید بر وزیران منتخب مجلس شورای اسلامی. به راهنمایی دکتر زهرا احمدی پور، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۱، صص ۵۹-۸۳. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲). چالش‌های توسعه سیاسی. تهران: انتشارات قومس.

کاویانی‌راد، مراد و ویسی، هادی (۱۳۸۷). بررسی تاثیر همسایگی بر انتخابات ایران "مطالعه موردی: دور نخست نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره سوم (سال چهارم)، صص ۱-۲۰.

کریب، ایان. نظریه‌های مدرن در جامعه‌شناسی: از پارسنر تا هابرمارس. ترجمه: عباس مخبر (۱۳۷۸)، تهران: انتشارات سروش.

کریمی‌مله، علی (۱۳۸۵). چند فرهنگ باوری و همبستگی ملی: تاملی انتقادی. فصلنامه مطالعات ملی، شماره سوم، صص ۹۳-۱۱۴.

محمدی، منصور (۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی رفتار انتخاباتی با تاکید بر انتخابات ریاست جمهوری نهم و دهم (مورد مطالعه شهر کرمانشاه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد و علوم اداری، به راهنمایی دکتر سید جواد امام جمعه‌زاده، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

محمودی، وحید و فیض‌پور، محمدعلی (۱۳۷۶). سنجش درجه برخورداری فرهنگی استان‌های کشور. مجله دانشور، شماره ۱۷، صص ۹-۱۶.

مرانکی، اشرف. بررسی آماری ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری، موجود در:

<http://basij.ir/attachment/130381.pdf>

آخرین مراجعه: ۱۳۹۲/۴/۳۱.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.

نویسنده، منیژه (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، صص ۵۵-۷۶.

یوسفی، علی (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۸، صص ۱۳-۴۲.

Connor, W. (1972). Nation- Building or Nation- Destroying? *World Politics*, Vol. 24, No. 3, pp.319-355.

Deutsch, K. W. (1966). *Nationalism and Social Communication: An Inquiry into the Foundations of Nationality*, MIT Press.

Glassner, M. I. & Fahrner, C. (2004). *Political Geography*, Third Edition, New York John Wiley & sons.

Short, J. (1993). *An Introduction to Political Geography*, Second Edition, London, Routledge.

Ó Tuathail, G. (1996). *Critical Geopolitics*, London: Routledge.

Ó Tuathail, G. Dalby, S. and Routledge, P. (1998). *The Geopolitics Reader*. London: Routledge.

## توضیحات

اطلاعات جدول ۱. از منابع ذیل گردآوری شده است:

آمار دوره یازدهم از دفتر انتخابات وزارت کشور در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۶ اخذ گردیده است.

نتایج نه دوره انتخابات برگرفته از اشرف مرانکی می باشد؛ موجود در: <http://basij.ir/attachment/130381.pdf>.

نتایج دوره دهم برگرفته از پورتال وزارت کشور است؛ موجود در: <http://www.moi.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&ID=3a120d23-ac85-4ce8-9312-74f62edc27e4&LayoutID=b05ef124-0db1-4d33-b0b6-90f50139044b&CategoryID=832a711b-95fe-4505-8aa3-38f5e17309c9>.